

یادداشت

ضرورت بازنگری در ساختار تامین اجتماعی

علامه‌بنیانی، کارشناس حوزه کار و تامین اجتماعی

سازمان تامین اجتماعی بزرگ‌ترین نهاد بیمه‌گر اجتماعی و تکبیه‌گاه معیشتی و درمانی میلیون‌ها یازنشسته، کارگر و مستمری‌بگیر است. هر گونه اختلال در عملکرد این سازمان، صرفاً یک مشکل اداری یا مالی نیست، بلکه مستقیماً با امنیت روانی و آرامش اجتماعی بخش بزرگی از جامعه‌ار تباط دارد.

در سال‌های اخیر، بیمه‌پردازان بارها نسبت به وضعیت معیشت، درمان، نحوه اداره منابع، مدیریت شرکت‌های اقتصادی وابسته و کاهش کیفیت خدمات‌ایز نگرانی کرده‌اند؛ نگرانی‌هایی که دیگر محدود به مطالبات صنفی نیست و به یک دغدغه‌ملی دربارۀ آینده صندوق‌های بیمه‌ای تبدیل شده‌است.

براساس ارقام مطرح شده در محافل کارشناسی، میزان وصولی ماهانه سازمان حدود ۱۰۰ همت برآورد می‌شود در حالی که تعهدات و هزینه‌های ماهانه آن حدود ۱۲۰ همت است. این وضعیت در شرایطی شکل گرفته که جمعیت یازنشستگان رو به افزایش است، هزینه‌های درمان و دارو رشد ی سابقه‌ای دارد، تورم، تعهدات سازمان را سنگین‌تر کرده و نسبت بیمه‌پرداز به مستمری‌بگیر نسبت به گذشته کاهش یافته‌است.

از سوی دیگر، اعلام ناتوانی شرکت سرمایه‌گذاری تامین اجتماعی در جبران بخشی از این ناترازی، نگرانی‌ها را تشدید کرده. شست‌اقرار بود بودیاری اقتصادی و پشتوانه مالی سازمان باشد اما وقتی نمی‌تواند نقش حمایتی مؤثر ایفا کند، ضرورت اصلاحات ساختاری بیش از پیش احساس می‌شود.

بحران درمان

تأمین اجتماعی یسار اختیار داشتن نزدیک به ۴۰۰ بیمارستان، درمانگاه و کلینیک، از بزرگ‌ترین مجموعه‌های درمانی محسوب می‌شود. با این حال، پرش مهم این است که چرا با وجود چنین ظرفیت عظیمی، بخش قابل توجهی از یازنشستگان همچنان از کیفیت خدمات درمانی ناراضی هستند؟

واقعیت آن است که بخش قابل توجهی از مراکز درمانی سازمان با فرسودگی تجهیزات، کمبود نیروی انسانی، تراکم بالای مراجعه‌کنندگان، محدودیت خدمات تخصصی و ضعف در نوسازی زیرساخت‌ها مواجه هستند.

در بسیاری موارد، یازنشسته‌ای که سال‌ها حق بیمه پرداخت کرده، برای دریافت خدمات درمانی مناسب، ناچار به مراجعه به بخش خصوصی و تحمل هزینه‌های سنگین می‌شود، در حالی که فلسفه وجودی بیمه اجتماعی، ایجاد امنیت درمانی در دوران سالمندی است. به نظر می‌رسد مجموعه درمانی سازمان، بدون سرمایه‌گذاری گسترده و اصلاح ساختار مدیریتی، به تدریج در معرض فرسودگی جدی قرار خواهد گرفت؛ موضوعی که می‌تواند در سال‌های آینده به بحرانی بزرگ‌تر تبدیل شود.

بیمه تکمیلی: راه‌حل یا انتقال مشکل

در سال‌های اخیر، بیمه تکمیلی به یکی از مهم‌ترین نیازهای یازنشستگان تبدیل شده اما پرش اینجاست که آیا بیمه تکمیلی واقعاً نقش «تکمیل درمان» و ایفا می‌کند یا به تدریج جایگزین ضعف خدمات درمان پایه شده‌است؟ واقعیت این است که بخش عمده حق بیمه تکمیلی توسط خود یازنشستگان پرداخت می‌شود و سهم سازمان در مقایسه با آورده یازنشسته‌ها محدودتر است و گزارش‌ها و گزایه‌های فرآیندی در باره تأخیر چند ماهه در پرداخت سهم سازمان و حتی وجوهی که از حقوق یازنشستگان کسر شده، مطرح می‌شود.

طبیعی است که تأخیر در تسویه مطالبات بیمه تکمیلی موجب کاهش همکاری مراکز درمانی، افزایش نارضایتی بیمه‌گران، افت کیفیت خدمات و تحمیل هزینه مستقیم به یازنشستگان خواهد شد. به بیان دیگر، وقتی پرداخت‌ها با تأخیر انجام شود، نخستین اثر آن بر کیفیت درمان و کرامت یازنشسته ظاهر می‌شود.

نگرانی معیشتی یازنشستگان

در حالی که حدود دو ماه از آغاز سال گذشته و حقوق کارمندان و صندوق‌های یازنشستگی دیگر متناسب با مصوبات و نرخ تورم تعیین تکلیف شده، یازنشستگان تأمین اجتماعی همچنان در انتظار اعلام رسمی و اجرای افزایش حقوق خود به سر می‌بند. این تأخیر، در شرایط تورمی فعلی، مستقیماً با سفره و معیشت میلیون‌ها خانواده یازنشسته ارتباط دارد چون یازنشسته‌ای که هزینه دارد، در مان، اجاره و نیازهای اولیه زندگی او ماه به ماه افزایش یافته، نمی‌تواند ماه‌ها در انتظار تعیین تکلیف حقوق خود باقی بماند.

زمان گفت‌وگوی ملی دربارۀ آینده تأمین اجتماعی
سال‌ها پیش، صندوق یازنشستگی کشوری عملاً تحت پوشش و حمایت مستقیم دولت قرار گرفت و بخشی از منابع آن از محل‌هایسی نظیر مالیات ارزش افزوده تأمین شد. اکنون این برشش به صورت جدی مطرح است که آیا یازمان آن نرسیده در باره آینده تأمین اجتماعی نیز یک گفت‌وگوی ملی، تخصصی و مسئولانه شکل گیرد؟

بدیهی است این موضوع موافقان و مخالفان فراوانی دارد. برخی معتقدند در شرایط فعلی، بدون حمایت گسترده‌تر دولت، اداره صندوق یادشواری فزاینده رو به رو خواهد شد. در مقابل، گروهی نیز هشدار می‌دهند که استقلال بین‌النسلی سازمان نباید قربانی وابستگی کامل به بودجه عمومی شود اما آنچه بیش از همه هشدار دارد، پر هیز از انکار واقعیت‌است. شجاعانه، کارشناسی و بلندمدت‌است. شاید امروز بیش از هر زمان دیگری، نیازمند آغاز یک گفت‌وگوی ملی دربارۀ آینده صندوق‌های یازنشستگی و شیوه حفظ کرامت یازنشستگان باشیم؛ گفت‌وگویی که هدف آن نه ایجاد نگرانی، بلکه جلوگیری از تعمیق بحران و یافتن راه‌حل‌های پایدار برای نسل حاضر و آینده‌است.

در روزهایی که سایه سنگین بیکاری بیش از هر زمان دیگری بر سر سفره‌های کارگران سنگینی می‌کند، برای درک واقعیت آنچه در زیر پوست آمارهای رسمی می‌گذرد، راهی واحدشمال شرق اداره کار تهران شدیم؛ جایی که قرار است پناهگاه کسانی باشد که نان‌شان را از دست داده‌اند اما گویا در اینجا هم «در بر همان پاشنه همیشگی می‌چرخد».

به گزارش ایلنا، نخستین مواجهه با ادار، نمادین به نظر می‌رسد. در اصلی ورودی بسته‌است و مراجعان باید از دری کوچک و جنبی وارد شوند. در بدو ورود، فضا نه آن قدر شلوغ است که جای سوزن انداختن باشد و نه آن قدر خلوت که بشود گفت سوت و کور است اما این خلوتی نسبی، نشانه بهبود اوضاع نیست بلکه حکایت‌از سیستمی دارد که صف‌های طولانی خود را از کف راهروها به فضای مجازی کوچانده‌است. اینجا تنها کسانی حضور دارند که در پیچ‌خو‌های «سیستم اینترنتی» در مانده‌اند یا برای پیگیری شکایت‌هایی آمده‌اند که گویی در زمان متوقف شده‌است.

شکایت‌هایی که در بایگانی خاک می‌خورند

در واحد پیگیری شکایات، چهره‌های مستأصل، راوی قصه‌های مشابیهی هستند. کارگرانی که از استفاده‌سال گذشته در خواست خود را ثبت کرده‌اند، حالا در های بسته رو به‌رو شده‌اند. جلسات‌شان به بهانه‌های مختلف لغو شده و حتی کسانی که پیش از دی‌ماه شکایت کرده و تمیزی از مسیر را گرفته بودند، حالا به‌انها گفته‌شده که باید همه چیز از صفر شروع کنند. یکی از کارگران با چشمانی خسته می‌گوید: «ماه‌هاست پله‌های این اداره را بالا و پایین می‌کنم.

در واحدشمال شرق تهران، در فروردین ماه روزانه بین ۵۰۰ تا ۶۰۰ درخواست بیمه‌بیکاری ثبت شده است. این در حالی‌ست که کل پرسنل این واحد تنها ۴ نفر هستند

گفت و گو

در حالی که اقتصاد ایران دوران حساس پس از تلاطم‌های نظامی اخیر راسری می‌کند، با دیگر دو گانه کهنه «دستمزد و تورم» به‌صحن عینی رسانه‌ها و فضای مدیریتی کشور بازگشته است. اظهارات اخیر «حشمت‌الله عسگری» معاون اقتصادی استاندار تهران، مبنی بر اینکه افزایش حقوق کارگران یکی از دلایل اصلی گرانی‌های اخیر است، با واکنش فعالان کارگری و کارشناسان اقتصادی روبرو شده که معتقدند این نوع نگاه، آدرس غلط دادن برای فرآز مسئولیت نظارتی دولت‌است.



گفت و گو

انتقاد یک فعال صنفی حوزه ایمنی از رواج بیمه‌های مسئولیت مدنی

معطل ماندن چند ماهه شکایات کارگران پشت دیوار ادارات کار

لشکر بیکاران پشت سد ۴ کارمند



یک بار گفتند سایت هک شده و اطلاعات پریده، بار دیگر شرایط جنگی و حساس کشور را بهانه کردند. انگار تنها چیزی که در این میان اهمیت ندارد، عمر و معیشت ماست که در این رفت‌وآمدهای بی‌حاصل دودمی‌شود.»

بیمه‌بیکاری: وعده‌ای روی هوا

بخش بیمه بیکاری، مقصد بعدی ماست. اینجا داغ بیکار شدگان تازه‌تر است. مراجعانی را دیدیم که از ۶۴ فرودین ماه در خواست خود را ثبت کرده‌اند و با گذشت هفته‌ها هنوز برنده‌شان در وضعیت «در دست بررسی» باقی‌مانده‌است.

مردی که اجاره‌خانه‌اش چندین ماه عقب افتاده، با لحنی که آمیزهای از خشم و ماندگی است، می‌گوید: «از کار بیکار م گردند، با هزار امید آدم تادست کم بیمه بیکاری ام برقرار ش‌ود و شرم‌نده صاحب‌خانه‌ش‌م. توی این مدت هر چه گشتم کار پیدا نکردم، حالا هم که اینجا آدم ولی بعد یک ماه هنوز می‌گن در دست بررسی‌ست.»

در گوشه‌ای کنار ساختمان اداره کار «احمد» را می‌بینم؛ کارگری که ۱۵ سال از بهترین سال‌های عمرش را در ریسک کارخانه‌سیری کرده‌است. او می‌گوید: «بعداز ۱۵ سال، کارفرما خیلی راحت گفت به مشکل خوردیم، جوان ترها انگاه می‌داریم و شما که

سن تان بالا رفته‌را نمی‌خواهیم. من جوانی ام را پای آن چرخ‌دنده‌ها گذاشتم. حالا که باید حمایت شوم، یک‌ماه است برای بیمه‌بیکاری می‌دوم و هنوز جوابی نگرفتم.»

ماه‌هاست پله‌های این ادار ه را بالا و پایین می‌کنم. یک بار گفتند سایت هک شده و اطلاعات پر یده، بار دیگر شرایط جنگی و حساس کشور را بهانه کردند. انگار تنها چیزی که در این میان اهمیت ندارد، عمر و معیشت ماست

شماره ۲۱۸۱ / یکشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۵ / ۲۹ ذوالقعه ۱۴۴۷ / ۱۷ می ۲۰۲۶

تلاش در میانه ویرانی؛

کارمندانی که قربانی ساختارند

پیش از آنکه بخواهیم توک بیکان انتقاد را به سمت میزهای خدمت بگیریم، باید از وجدان بیدار کارمندانی بگوئیم که در همین واحدمیمه بیکاری مشغول به کارند. اینجا با کارمندانی شریف روبرو شدیم که با وجود فشار عصبی ناشی از مواجهه باصداها آدم مستأصل، همچنان باسعه صدر سعی می‌کردند گرهی از کار مردم باز کنند اما حقیقت تلخ اینجاست که این افراد خودنیز قربانی ساختاری فرسوده‌هستند.

طبق اطلاعات به‌دست‌آمده از منابعی خارج از این واحد اداره کار، تنها در واحدشمال شرق تهران، در فروردین‌ماه روزانه بین ۵۰۰ تا ۶۰۰ درخواست بیمه بیکاری ثبت شده‌است. این در حالی‌ست که کل پرسنل این واحد تنها ۴ نفر هستند. روشن‌است که حتی اگر این ۴ نفر شریف، تمام ۲۴ ساعت شبانه‌روز را هم کار کنند، زیر آوار این حجم از تقاضا دفن خواهند شد. آمارهایی که به‌دست‌مارسیده‌نشاس می‌دهد این موج در اردیبهشت‌ماه به ۳۰۰ تا ۴۰۰ درخواست در روز رسیده؛ رقمی که باتوان انسانی این اداره، هیچ تناسبی ندارد.

وزارت کار یا وزارت کارفرمایان؟

وضعیت واحد شمال شرق، مشتکی نمونه خروار و آینه‌ای از تمام واحدهای اداره کار در سطح تهران است. اگر فقط در این واحد روزانه بین ۳۰۰ تا ۶۰۰ درخواست داشته باشیم، یعنی در دو ماه‌اخیر بالشگری ۳۰ تا ۳۵ هزار نفره از بیکاران جدید فقط در یک منطقه روبرو بودیم.

اما پرش اصلی اینجاست: در اوج دوران جنگی و شرایط حساسی که تمام تریبون‌ها از لوم «اتحاد ملی» و «همبستگی» سخن می‌گویند، چگونه است که کارگران این چنین بی‌محابا و در تریماز بالا، کارگران را اخراج و به امان خدا می‌راندند؟ آیا «اتحاد» فقط برای کارگر است که باید صوری کند یا برای مدیران دولتی که فقط شعار بدهند؟ دولت دقیقاً بجای این ماجراست؟ وظیفه نظارتی وزارت کار به چه کار می‌آید وقتی کارفرما در بحرانی‌ترین شرایط کشور، نان کارگر را باسابقه را می‌برد و آب از آب تکان نمی‌خورد؟

کرد، وی افزود. مدیریت‌های اتوبوسی در ارگان‌ها و شرکت‌های دولتی و هلدینگ‌های تحت اختیار دولت، هزینه‌های سربار سنگینی را به اقتصاد تحمیل می‌کنند که بار آن در نهایت بر دوش مصرف‌کننده می‌افتد. رئیس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران تأکید کرد: دولت باید به جای متهم کردن کارگران انگشت‌اشاره را به سمت ضعف‌نظارتی خود بگیرد که حتی در کنترل قیمت اقلام اساسی نظیر تخم‌مرغ در بازه زمانی پیش از جنگ، تاکنون ناکام بوده‌است.

دستمزد به مثابه محرک رونق تولید

بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند افزایش دستمزد در شرایط سانجنگ، نه تنها علت تورم نیست، بلکه معلول تورمی است که بیشتر در اقتصاد یشه‌دولده‌است. از این منظر، دستمزدها با تأخیری طولانی به دنبال جبران بخشی از قدرت خرید از دست‌رفته‌حرت می‌کنند. گلیور در این باره گفت: افزایش حقوق کارگران به‌عنوان مصرف‌کنندگان نهایی، باعث تحریک تقاضا در بازار می‌شود. این افزایش تقاضا نه تنها مخرب نیست بلکه منجر به ایجاد بازار برای کالاهای داخلی و در نهایت رونق تولید ملی می‌شود.

دولت در جست‌وجوی مقصر ناکامی‌های خود

به‌نظر می‌رسد گرهن تورم به‌معیشت کارگرانی که‌سستون تولید کشور هستند، با واقعیت‌های میدانی اقتصاد ایران همخوانی ندارد. در حالی که کمر کارگران یازنشستگان و صاحبان مشاغل خرد‌بزر بار تورم‌ناشی از نوسانات ارزی و مدیریتهای ناکارآمد شکسته، و یک‌رد «دفاع از افزایش قیمت‌ها» توسط مقامات دولتی می‌تواند به اعتماد عمومی صدمه برزند. برای مهار تورم، چاره کار نه در سسرکوب دستمزدها، بلکه در اصلاح ساختارهای بانکی، نظارت دقیق بر بازار و جلوگیری از هزینه‌ترانه‌ش‌های غیرمولد در بدنه شرکت‌های دولتی نهفته است. کارگران عامل گرانی نیستند بلکه خود بزرگ‌ترین قربانیان لیجام‌گسیختگی قیمتی در اقتصاد هستند.

کار، استقرار مسئول ایمنی دارای صلاحیت و ارائه مستندات معتبر فعالیت‌های ایمنی نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش حوادث داشته باشند. این کار نه تنها منافع بیمه را حفظ می‌کند، بلکه منافع ملی را نیز تأمین خواهد کرد زیرا هر یک‌د برای پیشگیری به مراتب کمتر از خسارت‌های ناشی از حادثه‌ه‌است.

فرحبخش گفت: مسئول ایمنی و بهداشت حرفه‌ای نیروهای کلیدی در پیشگیری از حوادث هستند و باید جایگاه واقعی آنها در کار گاه‌ها تقویت شود. بدون حضور مؤثر و دارای اختیار مسئولین ایمنی، اجرای قوانین و آیین‌نامه‌ها عملاً با چالش مواجه می‌شود. کارگاه‌هایی که فاقد مسئول ایمنی هستند یا این نقش را صوری و بدون اختیار تعریف کرده‌اند، در معرض خطرات جدی و خسارات سنگین قرار دارند.

وی در جمع‌بندی اظهار داشت: کاهش حوادث شغلی در گرو همکاری سه ضلع اصلی است؛ کارفرمایان که باید به قانون پایبند باشند، دستگاه‌های نظارتی که باید نظارت مؤثر و مستمر داشته باشند و شرکتهای بیمه که باید نقش فعال‌تری در ارزیابی ریسک و مشروط‌سازی پوشش بیمه‌ای ایفا کنند.

فرحبخش تأکید کرد: جان کارگران خط قرمز ایمنی است و هیچ مصلحت اقتصادی یا نگاه حداقلی نباید جای آن را بگیرد. حوادث شغلی قابل پیشگیری هستند، به شرط آنکه همگان مسئولیت خود را جدی بگیرند و نظام بیمه‌ای کشور نیز در راستای تقویت فرهنگ ایمنی باطرأحی شود.

یک فعال صنفی:

کارگر ساختمانی، عا رب بانک تأمین اجتماعی نیست

از تباطی با واقعیت معیشت کارگران ندارد. وی با اشاره به افزایش ۶۰درصدی حق بیمه در ۵۰ روز گذشته و اضافه شدن حدود ۸ هزار تومان دیگر در فیش‌های جدید، این روند اعمال فشار مضاعف بر سفره خالی کارگران دانست و تأکید کرد: کارگر ساختمانی، عا رب بانک جبران کسری بودجه تأمین اجتماعی نیست. متأسفانه منابع مورد نیاز از جیب مردم و اقشار ضعیف تأمین می‌شود و این روند ناعادانه است و باید خوداند او افزود. جالب‌است که این تصمیمات، کاملاً در سکوت و بدون

تجمع کارگران پتروناد در بندر امام در اعتراض به اخراج نیروهای بومی

و ظاهر آنیروای کار غیربومی جذب مجموعه شد. وی افزود: این ۲۰۰ نفر کارگر بیکار شده، اغلب متاهل و صاحب‌فرزند هستند و با امید به تلاوم کار، اقامت به اخذوام کرده‌اند. ما با وجود اینکه نیروی پروژه‌ای بودیم، با امید به اینکه این واحد در طول جنگ اخیر هیچ آسیبی ندیده و پروژه‌های آن برقرار است، برای زندگی مان برنامه‌ریزی کرده بودیم. اما حالا همگی اخراج شدیم. این کارگر اخراجی ادامه‌داد: بسیاری از نیروها جمعه بنده، بیش از دو سال سابقه کار در این شرکت داشتیم و برخی استادکاران فیتر، سبویلر، جوشکار و مونتاژ کار، سابقه بیشتری نیز دارند. با ااشاره به اینکه شرکت پتروناد در حال توسعه و در حال تبدیل به هفت واحد است و ما کارگران سازنده آن هفت واحد بودیم، گفت: نیروهای جدید غیربومی در این مجموعه اضافه شدند. ماهه ایرانی هستیم و پانزده روزهای گذشته طی روزهای گذشته نیز در برابر فرمانداری و اداره کار بندر امام مردم و اقشار ضعیف تأمین می‌شود و این روند ناعادانه است و باید پتروناد را خودم و سابقه و تجربه داریم، باید یکار شویم!؟



وی در پایان گفت: مقامات و مسئولان حوزه اداری و روابط کار منطقه و استان می‌خواهیم تا در این شرایط سخت معیشتی و بیمه‌ای، به حقوق قانونی ما توجه کرده و شرایط را برای بازگشت به کار ما فراهم کنند.